

بررسی رابطه هویت اسلامی، فضای مجازی و جهانی شدن

هومن الوندی، دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(نویسنده و عهده دار مکاتبات) alvandi_homan19@yahoo.com

محسن ناییبی، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

چکیده

هویت اسلامی نوعی هویت جمعی است که بین فرد و جامعه ارتباط برقرار می‌کند و بیان می‌کند که بین اینکه چگونه خود را ببینیم با اینکه دیگران چگونه من را می‌بینند ارتباط برقرار سازد. جهانی شدن نظریه وضعیت طبیعی و غیرارادی می‌باشد که بر بستر شرایط جهانی جدید و تکنولوژی ارتباطات شکل می‌گیرد و در واقع جهانی شدن موجب تقویت اعتقادات و هویت اسلامی شده است زیرا جهانی شدن هویت‌های قومی، سرزمینی، ملی و... را تضعیف می‌کند اما نیاز به بازبانی هویت، انسان‌ها را به سوی هویت دینی جذب می‌کند. نتیجه اینکه هرچه جهانی شدن بیشتر و گسترده‌تر شده است هویت اسلامی بالاخص در میان کشورهای اسلامی بیشتر نمود پیدا کرده است. این موضوع حداقل از تحلیل میزان اعتقادات مذهبی افراد در دهه ۸۰ که مربوط به نگرش ایرانیان به مذهب می‌باشد بدست می‌آید. هویت اسلامی به دیگران بایک نگاه می‌نگرد و ابزار اصلی خود را در دین و اعتقادات دینی می‌بیند؛ اما جهانی شدن همه را بانگاه غربی می‌نگرد و ابزار مورد استفاده اش را فضای مجازی قرار داده است که بالطبع میزان دسترسی به این فضا در عصر ارتباطات حاکی از نابرابری است. به دنبال این نابرابری عدم دسترسی یکسان به اطلاعات نیز بروز و ظهور می‌یابد. بدین منظور طرح موضوع جهانی شدن (عام) به نوعی تداعی کننده جهانی سازی یا همان غربی سازی است (خاص کل) که در پی محو تمام حائل‌های پیش روی خود است از جمله هویتها و بالاخص هویت اسلامی.

واژگان کلیدی: هویت، هویت اسلامی، جهانی شدن، فضای مجازی، نزاع گفتمانی.

مقدمه

چنانچه هویت اسلامی جهانی شدن را دوطرف یک ارتباط جهانی در نظر بگیریم که یکی منبع ارتباطی و دیگری محیط یا فضای ارتباطی که منبع ارتباطی در آن می‌خواهد خودنمایی کند. چگونه باید این نمایش صورت بگیرد؟ این امر در حالی است که نگرش ما نسبت به موضوع جهانی شدن کمی خوش بینانه باشد؛ بدین ترتیب فضای مجازی به عنوان یک کانال یا واسطه در این ارتباط یکطرفه اطلاعات چگونه می‌تواند نقش خود را ایفا کند؟ فضای مجازی چگونه می‌تواند بین این ارتباط که شاید اجتناب ناپذیر باشد هویت اسلامی را به نمایش بگذارد؟ هویت اسلامی قدرتی دارد که با استفاده از این قدرت می‌توان نه تنها از موضوع جهانی شدن دور نباشیم بلکه از آن برای ارائه این قدرت بهره ببریم و آنگاه استدلال و قضاوت کشورها را که بدون شک در فضای جهانی شدن دارای دغدغه هستند مشاهده کنیم. این منطق و استدلال چیست؟ آنچه که از جهانی شدن در ذهن متبادرمی شود یعنی ورود به یک فضای مجازی و ارتباط به سبک آنانکه که سبک و اصول خود را ارجح می‌دانند. و این امر با مفهوم هویت، آن هم، هویت دینی به صورت عام، و هویت اسلامی بطور خاص، در تناقض است. این تناقض موجب سردرگمی‌های مختلفی در میان اندیشه‌ها و تفکرات یک ملت می‌شود بر این اساس روشن شدن هویت اسلامی و نقش آن در عرصه جهانی شدن برای یک ملت چون ملت ایران یا ملت‌های مسلمان مطمئناً چگونگی استقبال یا رد کردن یک مسئله چون جهانی شدن را روشن خواهد کرد.

الگوی تحلیل: تحلیل گفتمانی

یکی از روش‌های مناسب برای تبیین جهانی شدن و تأثیرات آن بر تحولات کنونی جهانی، روش تحلیل گفتمانی می‌باشد. چنانچه بعضی گفته‌اند، «مهم‌ترین خصلت جهانی شدن، شکل‌بندی قواعد گفتمانی آن است». (قوام، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵)

از این رو «الگوی تحلیل لاکلاوموفه چارچوب مناسبی برای بررسی تحولات کلان یک جامعه در اختیار قرار می‌دهد. این نظریه به جای ارائه تبیین‌های علی تحولات اجتماعی - نظری؛ در صدد فهم و توصیف معنای شکل گرفته در فرآیند اجتماعی است». (بهرزولک، ۱۳۸۶، ص ۴۰) بر مبنای این روش، مهم‌ترین عملی که صورت می‌گیرد و برای ساختن هویت اسلامی نیز در راستای انسجام مسلمانان مؤثر است، شناسایی فضای تخصم و غیریت‌سازی بین گفتمان‌های مختلف موجود در عرصه جامعه و جهان می‌باشد. «در هر جامعه‌ای معمولاً تعدادی از گفتمان‌ها وجود دارد که در وضعیت غیریت‌سازی و تخصم قرار دارند؛ در چنین شرایطی، یکی از گفتمان خصلتی هژمونیک یافته و گفتمان‌های دیگر را سرکوب نموده یا حداقل، آنها را در حاشیه قرار می‌دهد». (همان، ص ۴۰)

در این چارچوب «از منظر تحلیل گفتمانی، جهانی شدن را می‌توان به دو شیوه مورد بررسی قرار داد: نخست، تلقی آن به مثابه «گفتمان واحد جهانی شدن» است... شیوه دیگری نیز می‌توان در نظر گرفت که از لحاظ تحلیل، انعطاف بیشتر و در نتیجه از قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری برخوردار است. چنین شیوه‌ای را می‌توان «تلقی جهانی شدن به مثابه عرصه نزاع گفتمان‌ها نامید». (بهرزولک، ۱۳۸۶، ص ۹۹)

تلقی جهانی شدن به منزله گفتمان واحد، مزایایی دارد که عبارتند از:

۱- امکان ترسیم دقیق مفصل‌بندی و دقائق گفتمانی جهانی شدن؛

۲- امکان ترسیم فضای غیریت‌سازی و تخصم بین گفتمان جهانی شدن و تعیین غیر برای آن؛

۳- نفی هرگونه امر فراگفتمانی در نظریه لاکلاوموفه». (همان، صص ۹۵ - ۹۷)

اما نقطه ضعف مهمی که موجب نابسندگی این تلقی می‌شود، این است که:

«در صورت تلقی شدن به مثابه گفتمان واحد، عملاً تلقی و دیدگاه‌های مختلف به جهانی شدن به حاشیه رانده شده و

تنها دیدگاه برگزیده به جهانی شدن اولویت و محوریت می‌یابد». (همان، ص ۹۸)

این امر منجر به نادیده گرفتن دیدگاه‌های متفاوت به جهانی شدن می‌شود. از جمله، نگرش اسلام به این پدیده را نادیده می‌انگارد. از این رو ما در این بحث، جهانی شدن را به مثابه **عرصه نزاع گفتمان‌ها** در نظر می‌گیریم. بر این مبنا «با توجه به اختلاف نظرهای جدی و گاه متناقض درباره جهانی شدن به نظر می‌رسد جهانی شدن به مثابه وضعیت جدید منازعه گفتمانی دارای توان توضیح‌دهندگی بیشتری می‌باشد» (همان، ص ۹۹)

دیدگاه لاکلاوموفه نیز به این نوع نزدیک‌تر است. آنجا که می‌گویند:

«جریان چپ می‌بایست به جای تلاش صرف برای برخورد مهرآمیزتر با آن [هژمونی نئولیبرالیسم] سعی نماید دلیل معتبری برای نظام نئولیبرال ارائه کند».

این مطلب در مورد جهان اسلام نیز صدق می‌کند. آنها نیز می‌توانند از فرصت جهانی شدن استفاده نموده و بدیل معتبری که همان اسلام کامل و جامع است را ارائه دهند و در این عرصه درصدد هژمون شدن بر آیند. این می‌تواند محور بیداری اسلامی در جهان باشد. در این بین فرمایشات مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در جمع جوانان کشورهای اسلامی حائز اهمیت است که فرمودند: «... دوران جدیدی آغاز شده است و تاریخ بشریت در یک پیچ بزرگ تاریخی قرار گرفته است... امروز دیگر لیبرال دموکراسی، مارکسیسم، ناسیونالیسم، جاذبه ندارد و اسلام است که دارای جاذبه است... اسلام عقلانیت، معنویت، وحدت و پیوستگی را به شما هدیه کرده است...»

طرح موضوع

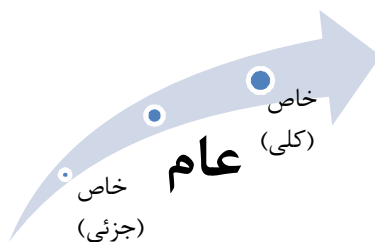
هویت به این معنی است که من چگونه خود و چگونه دیگران را می‌بینم پس هویت شامل دو بعد درونی و بیرونی است. هویت بوسیله شباهت^۲ و تفاوت^۳ مشخص می‌شود. هویت در مجموع دارای چهار بعد (معنی) است: تشابه، تفاوت، شناسایی و تثبیت. تثبیت دریافت روابط اجتماعی که بدرجه ای از بازتابی بودن دلالت دارد، به معنای درک ضرورت حضور دیگران برای تبیین مفهوم هویت است. در واقع هویت در انتخاب معنا پیدامی‌کند. هویت ویژگی‌های انتخاب شده ای هستند که فعال شده اند. هویت اسلامی نوعی هویت جمعی است که بین فرد و جامعه ارتباط برقرار می‌کند و بیان می‌کند که بین اینک چگونه خودم را ببینم با اینکه دیگران چگونه من را می‌بینند ارتباط برقرار سازد.

(حاجیان، ۱۳۸۹، صص ۱۶۸-۱۷۰)

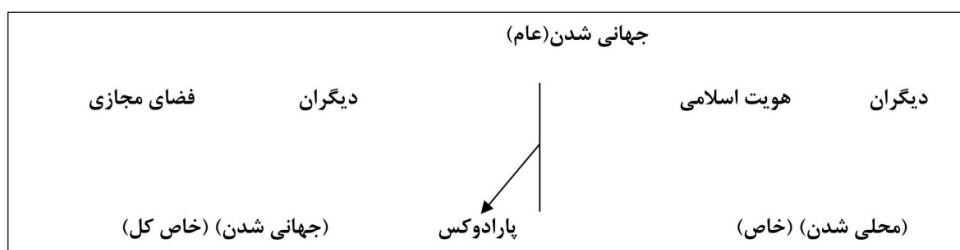
جهانی شدن ناظر به وضعیت طبیعی و غیرارادی می‌باشد که بر ستر شرایط جهانی جدید و تکنولوژی ارتباطات شکل می‌گیرد. (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۹) بر این اساس جهانی شدن یعنی به استقبال یک جهان رفتن، آشناسدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آرای دیگران است که این بابرخی مبانی اسلامی و حفظ هویت اسلامی در برابر هویت‌های مختلف در جهان نزدیک تراست. جهانی شدن کنونی ماهیت واکنشی بودن دارد بدین معنا که جهان از وضعیت «در درون خود بودن» به حالت «بودن برای خود» تبدیل شده است. (همان، ص ۲۱) این تمایز گذاری را بر تسون است که احتمالاً ناظر به تشدید سطح آگاهی جوامع بشری از خود و دیگران می‌باشد. به نظر رابرتسون برای واحدهای ملی جایگاه آینده شان در تاریخ مسئله ای جدی است و بنابراین جهانی شدن متضمن گسترش انتظارات مربوط به اعلام هویت می‌باشد. (همان، ص ۳۰) رابرتسون در کتاب خود بایک تحلیل پارسونزی به موضوع جهانی شدن اینگونه اشاره می‌کند که جهان در حال عام گردانیدن خاص و خاص گردانیدن عام است. و نظر خود را اینطور بیان می‌کند: «نظر من این است که میزان تفاوت توسعه سرمایه داری در کشورهای مختلف را می‌توان تا حدودی بر حسب نحوه تطبیق عام و خاص و شیوه حل و فصل تاریخی این مسئله تبیین کرد.» (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳)

² similarity

³ difference



عرصه نزاع گفتمانی



مهمترین ویژگی عینی جهانی شدن گسترش فضای مجازی است. فضایی یکپارچه، بهینه ساز و دارای باز تولید خودکار. تناقض فوق که به شکلی واضح تر دیگرام قبلی را به تصویر کشانده است نشان می دهد که هدف نهایی و غایی جهانی شدن چیست و متوجه چه کارکرد پنهانی است. همانطور که مشاهده می کنید دیگرامها نشان می دهد که طرح موضوع جهانی شدن (عام) به نوعی تداعی کننده جهانی سازی یا همان غربی سازی است (خاص کل) که در پی محو تمام حائل های پیش روی خود است از جمله هویتها و بالخاص هویت اسلامی. زیرا این هویت در ایدئولوژی و مبانی و ریشه های اصیل خود، بین نگرش خود و دیگران تفاوت و تمایز قائل است. شاید دیگرام ترسیم شده کاملا مقصود نهایی و منظور نهایی از جهانی شدن را نشان دهد. به عبارت دیگر هویت اسلامی به دیگران بایک نگاه می نگرند و ایزار اصلی خود را دین و اعتقادات دینی می بینند؛ اما جهانی شدن همه را بانگاه غربی می نگرند و ایزار مورد استفاده اش را فضای مجازی قرار داده است که بالطبع میزان دسترسی به این فضا در عرصه ارتباطات حاکی از نابرابری است. که به دنبال این نابرابری عدم دسترسی یکسان به اطلاعات نیز بروز ظهور می یابد.

بدین ترتیب وجود پارادوکس فوق مهمترین عامل شکل گیری جنبشهای جدید بوده است، جنبشهایی که برای ابراز هویت خود می خواهند از ایزار جهانی شدن استفاده نمایند به عبارت دیگر در تلاش برای گذار از هویتهای کوچک به هویتهای بزرگ هستند. (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰) یا گذار از مرزهای فیزیکی به مرزهای مجازی. لذا، جهانی - محلی شدن در این عرصه بیشتر قابل لمس است. سازمانهای محلی، اتحادیه های محلی، احزاب، NGOها، شوراهای محلی و حتی افراد باندیشه های محلی گرایانه در فضای مجازی به دنبال ارائه ارزشهای تاریخی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هموعان و همکیشان خود برای اتحاد و حفاظت از این ارزشها در برابر پدیده جهانی شدن است. یعنی، افزون بر ایجاد مرز در فضای سایبر، به تقویت مرز در فضای جغرافیایی مدنظر خود کمک می کند. نکته قابل توجه در این مقوله این است که ایزار جهانی شدن، یعنی اینترنت و فضای سایبر؛ به همان اندازه که در توسعه فراملی و کروی شدن به ایفای نقش می پردازد، به همان اندازه نیز در خدمت محلی گرایی و انتشار اندیشه های محلی^۴ و حفاظت از هویتها در آمده است. بر این اساس میان مرزهای فیزیکی و مجازی ارتباط تنگاتنگی از نظر محلی گرایی وجود دارد. یعنی، اینکه گروهها و اقلیتهای محلی - اکولوژیک، در راستای حفظ هویت خود، مرزبندیهای فضای سایبر را با چارچوب ارزشی و هویتی خود در فضای

⁴ local

جغرافیایی پیوند داده اند. (ویسی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰) تدبیر مسلمانان در برابر این گذار ایجاد جنبشهایی بوده است از جمله جنبش اسلامی. که گیدنز در فرآیند جهانی شدن از آن تحت عنوان فشار از پایین به بالا یاد می کند (از کیا، ۱۳۸۴، ص ۳۵۹) گیدنز به این جنبش اینگونه توجه کرده است: احیای اسلامی (انقلاب ۱۳۵۷) رانمی توان صرفاً بر اساس ملاحظات مذهبی درک کرد. این جنبش تاحدی نشان دهنده واکنشی علیه تاثیر غرب و یک جنبش ابراهیمیت ملی یا فرهنگی است. این که آیا احیای اسلامی، حتی در بنیادگرایانه ترین اشکال آن، تنها می باید به عنوان تجدید عقاید و اندیشه های سنتی در نظر گرفته شود قابل تردید است. آنچه رخ داده است چیزی پیچیده تر است. آداب و شیوه های زندگی سنتی احیا گردیده اند، اما با علایقی همراه اند که خاص دوران مدرن است. (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۵۱۸)

همچنین این نوع پارادوکس ناشی از دونوع جهان بینی در دو طرف فضای ارتباطی جهانی است. که در ذیل تفاوت این دونوع جهان بینی را مشاهده می کنید:

۱- اسلام: جهان بینی توحیدی، رستگاری را در توحید و ارزشهای اسلامی می داند مثل عدالت، توجه به معنویات، سازماندهی غیر سکولار.

۲- جهانی شدن: جهان بینی لیبرالیسمی، رستگاری بر اساس قرارداد اجتماعی مثل مصرفگرایی، توجه به مادیات، سازماندهی سکولار.

بالطبع وجود معنای اول دومی را هم ملزم می شود اما معنای دوم به صورتی نفی اولی را به همراه خواهد داشت. امروز غرب از معنویت خالی شده است و به یک دور تسلسلی رسیده است که غایتی برای خود مشخص نکرده است و این موضوع با فلسفه خلقت و چرایی خلقت انسان و حتی عقل ناقص بشر منافات دارد به همین منظور انسان غربی در پی رهایی از این پوچی است و با تحقیق و بررسی به اسلام رسیده است و هویت خود را باز تعریف نموده است و اگر هم اینطور نبوده است مجبور است به یک مبنای دینی جامع و کامل بگردد و آن دین تنها اسلام است. نقطه مقابل این امر تاسف بار است و آن دوری برخی از مسلمانان از اسلام ناب است. توجه به اسلام صورت به جای اسلام سیرت. (صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیا) که نتیجه وابستگی فرهنگی ملت های مسلمان و عدم توجه به مبانی فکری خویش و بی توجهی به پژوهش بیشتر در زمینه غرب و غرب شناسی است. مسلماً مهم ترین بعد از ابعاد استقلال خواهی، با توجه به فرآیند جهانی شدن و یکپارچه سازی فرهنگی، ریشه های عمیق دینی و حفظ هویت دینی است. و به گفته استاد مطهری خطرناکترین استعمار، استعمار فرهنگی است و به تعبیر ایشان مگر ممکن است ملتی را از نظر اقتصادی و سیاسی استعمار کنند بدون آنکه قبلاً او را استعمار فکری کرده باشند؟ (مطهری، ۱۳۶۴، صص ۱۶۰-۱۶۱)

جهانی شدن امروز دارای محتوای بی روح و بی ریشه است و واقعیت جهان حکایت از آن دارد که فقط ادیان در ادعای جهانی شدن موفق بوده اند و آن هم دین اسلام است زیرا:

۱- اصول و ارزشهای اسلام دارای ماهیت جهانی است. (یا ایها الناس)

۲- در اسلام تنوع قومی، زبانی و مذهبی مورد تایید است اما همه به سوی یک نقطه وحدت حرکت می کنند و تکامل می یابند.

۳- اسلام مبتنی بر فطرت آدمیان است.

۴- اجتهاد که از اسلام نشأت گرفته است موجب دمساز کردن تعالیم اسلامی با زمان است. یعنی کشف اصول کلی از موارد جزئی و متغیر.

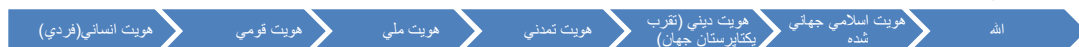
۵- جاودانگی اسلام و توجه به زندگی پس از مرگ که معنادار شدن زندگی دنیوی را سبب می شود.

بدین ترتیب اسلام موضع جهانی شدن خود را از ۱۴۰۰ سال قبل مشخص کرده است و تمام ادیان قبل از خود را فاقد کارآمدی و جامعیت می داند و خداوند می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم» (مائده / ۳)

آنچه که در فضای مجازی از نقطه مثبت آن باید بنگریم این است که این فضا در عرصه جهانی شدن در سیر تکوینی هویت اسلامی توانسته است که هویت دینی به معنای (تقرب یکنواختی جهان) را محقق سازد و هویت اسلامی جهانی شده

رادر عرصه جهانی شدن به نمایش بگذارد. براین اساس سیرتکوینی و تکاملی هویت اسلامی طبق آیه ۱۳ سوره حجرات این گونه ترسیم شده است: (کردستانی، ۱۳۸۴، صص ۵۹-۶۲)

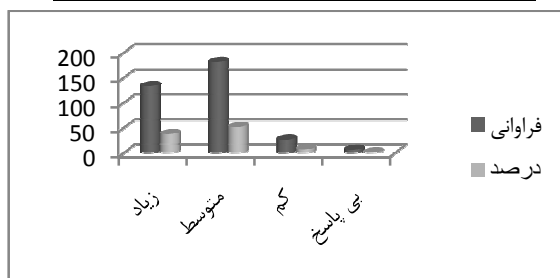
آیه ۱۳ سوره حجرات: «یاایهاالناس انا خلقناکم من ذکروانثی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (حجرات/۱۳)



نتایج تحقیق پژوهشگران نشان می‌دهد که هویت جمعی متغیری است که تاثیرات مکان بر ارزش‌های دگرخواهانه^۵ را تعدیل می‌کند به واقع وجه مشخصه رشد هویت این حقیقت است که هویت یابی‌های اولیه با گروه‌های عینی و ساده تر (مثل خانواده) ضعیف است و تحت الشعاع هویت یابی با واحدهای فراگیر تر و انتزاعی تر قرار می‌گیرد (ذکائی، ۱۳۸۰، صص ۷۴-۷۵) که یکی از این واحدها در عصر اطلاعات و ارتباطات و فضای مجازی هویت اسلامی است. تاثیرات فرایند نو سازی و گسترش شهرها و حتی تبدیل برخی روستاها به شهر، تفاوت‌هایی را در تجلی ارزش‌های دگرخواهانه ی آنها برجای می‌گذارد (همان، ۱۳۸۰، ص ۶۱) بدین ترتیب که هرچه رمین‌های ساختاری (مثل شهرنشینی، امکان استفاده از ابزارهای ارتباطی) بیشتر شده است، ارزش‌های دگرخواهانه تقلیل یافته است. البته جهانی شدن به نفی مطلق سنت نمی‌انجامد بلکه کارکردهای تاریخی آن را دچار خلل می‌کند. (نکوئی سامانی، ۱۳۸۶، ص ۹۰) اما در قرن فضای مجازی، هویت اسلامی این تقلیل را تعدیل کرده است و پیام جهانی خود را ابلاغ و انتشار داده است که نمونه ی بارز آن را در بیداری اسلامی کشورهای مسلمان مشاهده نموده ایم. اما هویت اسلامی تا چه میزان در فضای مجازی و در رسانه‌ها منعکس می‌شود؟ در اواخر قرن بیستم در آمریکای شمالی و حتی اروپا تعداد کسانی که خودشان را مذهبی می‌دانستند روبه فزونی گذاشت. بر اساس این روش، همین ارزیابی، نشانه رشد و تداوم مذهب است (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰). نگارنده در سال ۱۳۹۰ در مورد میزان اعتقادات مذهبی مردم تهران به عنوان یک کلان شهر به نتایج ذیل رسیده است:

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اعتقادات مذهبی

طبقات	فراوانی	درصد
زیاد	134	38.3
متوسط	182	52.0
کم	27	7.7
جمع	343	98.0
بی پاسخ	7	2.0
جمع کل	350	100.0



داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۲ درصد پاسخگویان ما اعتقادات مذهبی متوسطی دارند نه خیلی مذهبی و نه خیلی بی‌اعتقاد هستند البته در مورد این موضوع باید اذعان کرد که اکثر مخاطبان به این سوال پاسخی صادقانه داده اند و تنها ۲ درصد،

^۵ altruism

از پاسخ دادن امتناع کرده اند همچنین محقق براساس مصاحبه هایی که با مردم انجام داده است باید به این موضوع اغراق کرد که اعتقادات مذهبی مردم واقعا زیاد است اما به خاطر یک حس خضوع و فروتنی وافر، باوجود اعتقاد مذهبی بالایی که در هر فرد ایرانی درونی است باز اعتقادات خود را تا حدودی کم می دانند و اعتقاد مذهبی بالارا مخصوص افرادی بالا مرتبه تر از خود می دانند. باتوجه به داده ها ۳۸/۳ درصد اعتقاد مذهبی بالا دارند و تنها ۷/۷ درصد اعتقاد مذهبی کم دارند همانطور که اشاره کردم باید گفت این مقدار اعتقاد مذهبی کم که از سوی مخاطبان اظهار شده است درونی نیست و تا حدودی همراه با ملاحظه کاری بوده است.

وبه دنبال این یافته همچنین رابطه دوبعدی فراوانی های متغیر اعتقادات مذهبی و شاخص استفاده از رسانه های جمعی (راديو، تلويزيون، روزنامه ها و سايتهاي خبري) نشان می دهد که میزان استفاده کم از رسانه های جمعی رابطه دارد با میزان اعتقاد مذهبی زیاد (۵ درصد پاسخگویان که اعتقاد مذهبی زیاد دارند، میزان استفاده آنها از رسانه کم بوده است) و همچنین میزان استفاده زیاد از رسانه های جمعی با میزان اعتقادات مذهبی کم رابطه دارد. (۱/۷ درصد پاسخگویان که اعتقاد مذهبی کم دارند، میزان استفاده آنها از رسانه زیاد بوده است.)

(پژوهش نگارنده، ۱۳۹۰)

کل	شاخص میزان استفاده از رسانه های جمعی			اعتقادات مذهبی	
	زیاد	متوسط	کم		
134	16	101	17	فراوانی	زیاد
39.10%	4.70%	29.40%	5.00%	درصد از کل	
182	25	125	32	فراوانی	متوسط
53.10%	7.30%	36.40%	9.30%	درصد از کل	
27	10	11	6	فراوانی	کم
7.90%	2.90%	3.20%	1.70%	درصد از کل	
343	51	237	55	فراوانی	کل
100.00%	14.90%	69.10%	16.00%	درصد از کل	

این موضوع نشان می دهد که جهانی شدن موجب تقویت اعتقادات و هویت اسلامی شده است زیرا جهانی شدن هویت های قومی، سرزمینی، ملی و... را تضعیف می کند اما نیاز به بازیابی هویت، انسان ها را به سوی هویت دینی جذب می کند. (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰). براین اساس این فرض مطرح می شود که هرچه جهانی شدن بیشتر و گسترده تر شده است هویت اسلامی بالاخص در میان کشورهای اسلامی بیشتر نمود پیدا کرده است. این موضوع حداقل از مقایسه دو جدول ذیل که مربوط به نگرش ایرانیان به مذهب می باشد بدست می آید:

نگرش مذهبی ایرانیان ۱۳۸۰ (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱)

مذهبی تر	فرقی نخواهد کرد	غیر مذهبی تر	تعداد پاسخگویان
۱۶/۱	۲۹/۶	۵۴/۳	۱۶۲۹۵

اعتقاد مذهبی ایرانیان ۱۳۹۰

زیاد	متوسط	کم	تعداد پاسخگویان
۳۸/۳	۵۲	۷۷	۳۵۰

براین اساس آینده تعامل هویت اسلامی با جهانی شدن به دو صورت می تواند باشد: (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷)
 ۱- همراهی: به شرط آنکه عدالت در فضای جهانی برقرار باشد.

- ۲- مقاومت: در صورت حذف از فضای جهانی شدن.
 در این میان راهکار سید حسین نصر برای مقابله با غرب قابل توجه است. وی دورا هکار را خطاب به جوانان و علمای مسلمان ارائه می‌دهد: (گوهری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷)
- ۱- شناخت تعالیم اسلامی برای مقابله باشبهات و تردیدهایی که از سوی غرب ابراز می‌شود.
 ۲- علمای باید به شناخت یهودیت و مسیحیت بدون پیش داوری و تعصب بپردازند.

نتیجه گیری

بررسی تحلیلی مان‌شان می‌دهد که در دهه ۸۰ شمسی نه تنها با وجود گسترش تکنولوژی ارتباطات و فضای سایبری اعتقادات مذهبی کم نشده است بلکه گرایش به مذهب و هویت اسلامی بیش از پیش بوده است این امر بیانگر این است که از فضای مجازی - فضای بهینه ساز و دارای بازتولید خودکار - بیشترین بهره را از این بازتولید هویت اسلامی برده است نه جهانی شدن و اهداف پشت سر آن.

این موضوع نشانگر قدرت مبانی و ریشه‌ای دین مبین اسلام است که به دنبال یک خاص کل به معنای غربی نیست بلکه در پی تقرب یکتا پرستان جهان و نزدیک شدن به هویت اصلی و نهایی یعنی الله است.

حتی بررسی پژوهشگران نشان می‌دهد که هر چند زیرساخت‌های مکانی (مرزهای فیزیکی) موجب تغییر ارزشهای دگرخواهانه شده است اما هویت اسلامی این تغییرات را تعدیل کرده بطوریکه ندای انقلاب اسلامی و هویت اسلامی به گوش کشورهای مسلمان رسیده است و موجب بیداری آنها شده است. نکته قابل توجه اینجاست که ابزار جهانی شدن یعنی فضای مجازی به همان اندازه که در توسعه فراملی و کروی شدن به ایفای نقش پرداخته است به همان اندازه در تقرب کشورهای اسلامی و کروی شدن این کشورها و حفاظت از هویت‌ها خدمت کرده است. حتی فرآیند نوسازی اعم از اقتصادی، سیاسی، روانی، فرهنگی و اجتماعی که به دنبال تداعی در موضوع جهانی شدن هستند نتوانسته اند هویت اسلامی را خدشه دار کنند. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد که جهانی شدن موجب تقویت اعتقادات و هویت اسلامی شده است زیرا جهانی شدن هویت‌های قومی، سرزمینی، ملی و... را تضعیف می‌کند اما نیاز به بازیابی هویت، انسانها را به سوی هویت دینی جذب می‌کند.

پس بیش از پیش باید در انتشار و ابلاغ مبانی اصیل اسلامی به جهان تلاش کرد و بر این اساس باید گفت در عصر جهانی شدن و فضای مجازی انقلاب اسلامی طلیعه ی بازگشت به هویت اسلامی و به تعبیر استاد مطهری و دکتر شریعتی «بازگشت به خویشتن» بوده است. و این امر سعی و تلاش مردم و بخصوص روحانیت معزز را بیشتر از قبل می‌طلبد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- ازکیا، غفاری، مصطفی، غلامرضا. جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان، ۱۳۸۴، چ ۵
- بهروز لک، غلامرضا. جهانی شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۶، ۱۳۸۶.
- بهروز لک، غلامرضا. جهانی شدن و اسلام سیاسی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، چ ۲.
- حاجیانی، ابراهیم. هویت جمعی و فساد اداری و مالی، فصلنامه دانش ارزیابی، سال ۲، ش ۳، بهار ۱۳۸۹.
- ذکائی، محمد سعید. اخلاق شهروندی: رابطه ی هویت یابی جمعی و ارزشهای دیگر خواهانه، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳، سال ۱۳۸۰
- رابرتسون، رونالد. جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث، ۱۳۸۰
- سجادی، سید عبدالقیوم. درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳
- قوام، عبدالعلی. جهانی شدن و جهان سوم، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، چ ۲.
- کردستانی، سوران. نظام تکاملی هویت در اسلام بستر ساز تحقق امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۱، بهار ۱۳۸۴.
- گوهری، عباس. جوان مسلمان و دنیای متجدد، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال ۴، ش ۹، بهار ۱۳۸۸.
- گیدنز، آنتونی. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵، چ ۱۶
- محمدی، کریم خان. جامعه اطلاعاتی و دین (باتاکید بر جهان اسلام)، فصلنامه رسانه، سال ۱۶، ش ۲، تابستان ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۶۴
- نکوئی سامانی، مهدی. دین و فرآیند جهانی شدن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶، چ ۳
- ویسی، هادی. تاثیر جهانی شدن بر مرزها و اشاعه مرزها در فضای سایبر، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۴، ش ۴۳، آذروددی ۱۳۸۸.

- Ernesto lacala & chental mouffe, second edition, hegemony and socialist strategy London, verso, 2001